

گو کیل زدن گندم

در روستاهای ایران ، هنگام درو ، در تیر ماه ، اگر دسته‌ای از ساقه‌های گندم بیش از میزان معمول (بطور غیر طبیعی) رشد کرده باشد می گویند : "گندم کاکل زده است ."

در بعضی از روستاها مثلا " در آذربایجان کاکل زدن را ، اجاق زدن و درپاره‌ای نقاط به لهجه‌های مختلف محلی کول زدن و گوکیل زدن و طاق زدن و در خراسان خروهه (۱) می گویند .

در بعضی از نقاط زارعان عقیده دارند که اگر دسته‌هایی از گندم چنان رشد غیر طبیعی کرده و به هم گره خورده و خم شده باشند که رو به امام رضا یارو به آفتاب یا رو به قبله قرار گیرند ، نباید چنین گندم‌های کاکل زده را در و کنند باید آنها بگذارند تا خشک شود و دانه‌های آنها را پرندگان بخورند ؛ زیرا معتقدند که اگر گندم‌های کاکل زده درو شود ، برکت از کشتزار و خرمن آنها خواهد رفت و صاحب مزرعه خواهد مرد .

در پاره‌ای از روستاها زارعان کاکل زدن گندم مزرعه خود را از یکدیگر مخفی نگه می دارند و جنبه اسرار آمیز بدان می دهند ، و در برخی دیگر جشنی بر پا می کنند . اغلب در زیر بوته‌های گندم های اجاق زده پرندگان لانه می کنند و گاهگاه ماری نیز در آنجا دیده می شود .

به عقیده روستائیان مار علامت برکت و فراوانی محصول است و فرشته‌ایست که به صورت مار در آمده و آنرا نباید کشت . با اینکه بیشتر زارعان کاکل زدن را به لطف و عنایت خدا

۱ - خروه - خروس که بعربی آنرا دیک گویند . (برهان قاطع) خروهک را مزجان نوشته‌اند همانا رعایت سرخی تاج خروه را کرده‌اند و آنرا خروهک نیز گویند . (لغت نامه دهخدا)

نسبت می دهند ولی اغلب نگران آن هستند (۲) و می گویند کاکل زدن گندم آمدنیامد دارد و در پاره‌ای مناطق هم بطور کلی آنرا بد شگون می دانند. بد شگونی را از بین رفتن برکت، مرگ رئیس خانواده (مرد خانواده)، آفت جان و مال و آتش گرفتن خرمن می دانند، و شگون را افزایش محصول و رسیدن خیر و برکت. تقریباً "در همه" مناطق روستائی ایران هنگامی که گندم‌ها کاکل می زند روستائیان قربانی می کنند. زارعان با تعصب قربانی را انجام می دهند، زیرا معتقدند که اگر قربانی نکنند صدمه آنرا خواهند دید و می گویند برای برکت زمین باید در راه خدا خون ریخت. در باغداری نیز این رسم کم و بیش رایج است و باغداران معتقدند که برای پر قوت کردن زمین باید خون به زمین داد، و پس از آن خون قربانی را به درو دیوار باغ می مالند.

برای قربانی از شتر، گاو، بز، گوسفند و یا خروس استفاده می کنند ولی بهر حال قربانی باید نرینه باشد و سالم باشد و نقص عضوی نداشته باشد. ظاهراً "بزرگی و کوچکی قربانی مربوط به وضع مالی زارعان است و ریشه اقتصادی دارد، ولی قربانی خروس ظاهراً سنتی است (۳).

مراسم قربانی

چند روز پس از درو، رئیس خانواده سپیده دم، اغلب با افراد خانواده به قسمت مزرعه‌ای که گندم‌های آن کاکل زده می آیند و حیوان نرینه را چند بار دور آن قسمت از مزرعه که کاکل زده می گردانند، و با خواندن آیاتی از قرآن و فرستادن صلوات و گاهی با خواندن چند بیت شعر آنرا ذبح می کنند. هنگام ذبح کردن معمولاً "این جملات را بر زبان می آورند: " خداوند این قربانی را از ما بپذیرد ما خیر و برکت عطا کن و دلخوشی بده. ". خون قربانی را اغلب زیر گندم‌های کاکل زده روان می سازند و گوشت قربانی را بین

۲- در بعضی از روستاها کاکل زدن را مربوط به گناهی میدانند که صاحب مزرعه مرتکب شده است.

۳- افراسیاب او (سیاوش) را بکشت. و هم در این حصاربدان موضع که از در شرقی اندر آئی (اندرون در گاه فروشان)، و آنرا در وازه غوریان خوانند او را آنجادفن کردند. و مغان بخارا بدین سبب آنجای را عزیز دارند. و هر سالی هر مردی آنجایی خروس برد و بکشد، پیش از برآمدن آفتاب روز نوروز. مردمان بخارا را در کشتن سیاوش نوحه‌هاست، چنانکه در همه ولایتهای معروفست. و مطربان آنرا سرود ساخته اند، و میگویند و قوالان آنرا گریستن مغان خوانند. و این سخن زیادت از سه هزار سال است. (نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱، تهران ص ۳۳).

فقراتقسیم می کنند . اگر دریک کشتزارچند جاگندم ها کاکل زده باشند ، یک قربانی بیشتر انجام نمی گیرد . در روستاهای اهل حق نشین کلاردشت " خون قربانی مقدس شمرده می - شود ، قربانی را در طشتی ذبح می کنند تا خونس بر زمین نریزد و آنرا ، اغلب در خاک کف طویله ، دفن می کنند (۴) "

در پاره ای از مناطق خوشه های گندم کاکل زده را بدون ساقه چیده در دستمال سفیدی که با خون گوسفند رنگین شده به دهکده می آورند و این خوشه ها را به خویشاوندان خود می دهند تا در خانه ها بگذارند و اغلب آنرا تا یکسال حفظ می کنند ، و گاهی این گندم ها را آرد می کنند و نان آنرا تبرک می دانند ، گاهی هم از این نان کمی به ورزا که زمین را شخم زده است می خوراند .

قربانی کننده هنگام قربانی کردن باید پاک (غسل کرده یا وضو گرفته) و آماده بنماز باشد ، و در نگاه کردن به " کاکل " صلوات بفرستد و به قبله نگاه کند و اگر آینه و سکه ای داشته باشد باید به آن نگاه کند .

در پاره ای از مناطق روستائی خوشه های از گوکیل را می چینند و دانه های آنرا روی خرمن می پاشند و عقیده دارند که خرمن پر برکت می شود ، و در بعضی دیگر دانه های از خوشه های گوکیل را نگه می دارند تا برای سبز کردن گندم هفت سین نوروزی از آن استفاده کنند .

در روستاهای اهل حق نشین کلاردشت زارعان معتقدند که نظر سلطان عالم " مولی " سبب شده است که کشتزار " کول " بزند ، و گاهی می گویند حضرت علی از آنجا عبور کرده . بنا بر این از درویش اهل حق هر کس از نزدیک کشتزار " کول " زده بگذرد این جمله را بر زبان می راند : " هویا علی و هوا اول و آخرم حق و یا هوا اول و آخرم یار " (۵) .

زارعان اعتقاد دارند زمینی که با تراکتور شخم زده شود دیگر گوکیل نمی زند ، چون تراکتور برکت مزرعه را از میان می برد ، و نیز بنظر آنان گوکیل فقط در مزارع گندم که آبی است دیده می شود ، و حتی در مزرعه جو و یا مزرعه گندم دیمی گندمها کاکل نمی زند . ظاهراً " اصلاحات ارضی در این آداب و رسوم تغییر جالب توجهی به عمل نیاورده است . قربانی کردن هنگام گوکیل زدن گندم جزو نهادهای فرهنگی شده است و روستائیان سخت به آن اعتقاد دارند . قربانی کردن بیش از همه بدین منظور انجام می گیرد که خون ریخته شود . این خون در راه خدا برای پر برکت شدن محصول ریخته می شود و باید به کشتزار

۴ - سلیمان پور و علیخانی و کاکل زدن گندم در کلاردشت ، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، بخش تحقیقات روستائی ، ۱۳۵۳ ، ص ۱۰ .

۵ - سلیمان پور و علیخانی ، کاکل زدن گندم در کلاردشت ، ص ۱۱

گندم بخصوص محل گوگیل خون برسد .
 زارعان از جنبه‌های مختلف به گوگیل می‌نگرند ، و ظاهراً " شگون داشتن یا نداشتن گوگیل انعکاسی از ترس زارعان است و آن را آژیوری بر مرگ رئیس خانواده می‌دانند (۶) .
 اما اینکه قربانی باید نرینه باشد و اگر انجام نگیرد صاحب مزرعه بخصوص مرد خانواده خواهد مرد ، ظاهراً " نمایشگر جایگزین شدن جانور نرینه به جای مرد است .
 ممکن است در روزگاران کهن در کشت گندم هر سال هنگام درو مردی قربانی می‌شده که به مرور تبدیل به نرینه شده است (قیاس شود با قربانی شدن گوسفند بجای حضرت اسماعیل که اینک یکی از شعائر حج است) . قربانی برای پر برکت شدن محصول و خون ریختن به کشتزارها ، در روزگاران کهن در تمدنهای آسیای غربی - مدیترانه‌ای وجود داشته است (۷) .
 قربانی کردن در آغاز فصل تابستان در ماه تیر انجام می‌شود ، و بعضی‌ها این عمل را بی ارتباط با مرگ یک فصل و آغاز فصل دیگر و بخصوص آغاز انقلاب صیفی و آغاز سال نمی‌دانند .

ظاهراً " ارتباطی بین آغاز مرگ بعضی از فصول با داستان سیاوش و دیگر داستانهای مشابه دیده می‌شود (۸) .

بنابر نوشته ابوریحان : سال در روزگاران کهن در ایران و سغد و خوارزم با اول تابستان آغاز می‌شده (۹) و امروز هم در کلار دشت تیر ماه را نوروز NOROZ ماه و در شیرگاه آنرا عید ماه می‌گویند . این ماه اول تابستان از ۷ تیر ماه آغاز می‌شود و در ۵ مرداد خاتمه می‌یابد .

۶- این دوگانگی را در برخورد مردم با جغد نیز در نواحی مختلف ایران میتوان دید . جغد برای بعضی از گروههای اجتماعی خوش خیر است و برای برخی شوم و بد خیر .
 ۷- " در این تمدن الهه مادر ، هر سال با یکی از دلاوران شهر ازدواج میکرد و آن دلاور ، بر اثر این ازدواج ، به فرمانروائی موقت شهر میرسید ، و در پایان سال دلاور فرمانروای مزبور را قربانی میکردند ، خون او را بر گیاهان میپراکندند و گمان میداشتند که این تقلیدی جادویی از مرگ خدای گیاهی است و ریختن خون او بر زمین سب روش و پرباری گیاهان خواهد شد . حتی گوشت این دلاوران را اطرافیان کاهنه خام میخوردند " (مهرداد بهار ، اساطیر ایران ، ص پنجاه و پنج) .

۸- بنظر کویاچی شباهتی بین داستان ایرانی سیاوش و داستان (بین گناو) چینی دیده میشود . بنابر این داستان مرگ شاهزاده " بین - گناو " بدین صورت انجام می‌گیرد که وی " بدست دشمنان پدر اسیر می‌شود و او را تا گلوگاه در خاک مدفون می‌سازند و سپس گاو اهلی را بر سر او می‌رانند و او را بدین شیوه فجیع می‌کشند بنا بر این در حماسه چینی نیز خون شاهزاده بیگانه (مانند خون سیاوش) سب باروری گیاهان می‌شود . (آئین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان نوشته جی . سی . کویاچی ، ترجمه جلیل دوست خواه تهران ،

ظاهرا" اين عمل زارعان ما كه گندم گوکيل زده را درو نمي كنند و مي گذارند تا بمانداز آرزوي باطني آنان سر چشمه مي گيرد كه مي خواهند گياه باخوني كه به آن داده اند پربارتر از بيش برويد و جاودان بماند . دسته‌اي از محققان شباهتي بين داستان سیاوش (۱۰) و افسانه‌هاي كهن مربوط به مرگ فصل زراعي يافته‌اند (۱۱) . سیاوش به عنوان يك فصل در آغاز سال (نوروز) ، اول تابستان راهي جز مرگ ندارد نه به توران مي تواند برود و نه به ايران و گوسفند وار به محل سر بریدن مي رود (۱۲) . با درو كردن محصول نيز در تيرماه فصل زراعي پايان يافته و مرگ كشتزار فرامي رسد . داستان سیاوش در دوره ساسانيان به نظم آورده شده است . ظاهرا" اين داستان با آغاز توليد زراعي گندم (۱۳) در ايران متداول شده حتي پيش از ظهور زرتشت در ايران رواج داشته است و احتمالا" گندم از طريق بين النهرين و عيلام به سغد و خوارزم رفته است (۱۴) .

آمدن نام سیاوش در اوستا نشان مي دهد كه داستان سیاوش به عنوان اسطوره نيرومند از اعتقادات مردم بوده است . در اوستا مرگ او به افراسياب نسبت داده شده چه در نظر زرتشت افراسياب مظهر اهریمن است و اوهمه بدی‌ها و پليدي‌هاي اهریمنی را به افراسياب نسبت مي دهد . از طرف ديگر زرتشت مروج زراعت و آبادی نشینی است و برای امور مادی اهميت فراواني قائل است و نمي تواند نسبت به اسطوره‌اي كه برای زراعت گندم وجود دارد بي اعتنا باشد ، وی تغييراتي در داستان مي دهد و ناچار اسطوره را از بالا به پائين مي كشد و با زندگي سكاها و افراسياب در هم مي آميزد . احتمالا" به لحاظ همين امر است كه نام حقيقي كشنده سیاوش (احتمالا" الهه زمين) از ميان رفته است .

در دوره ساسانيان به پيروي از اوستا افراسياب كشنده سیاوش معرفي مي شود . پاره‌اي از

۱۰ - سیاوش د اوستا سیاورشن از دوجزء "سا" بمعنی سیاه و " ارشن " بمعنی نرخیوان آمده است (پورداوديشتها جلد دوم ص ۲۳۴ - ۲۲۶) ، اين نام در پهلوی سیاوش يا سیاوخش ضبط شده است .

۱۱ - بنظر اين دانشمندان " سیاوش نماديا خدای نباتي است ، زیرا با مرگ او ، از خون وی گياهي مرويد ، ديگر اينكه بی گمان سیاوش خدای كشتزارها بوده است و نشان اين امر را از به آتش رفتن او باز ميشناسيم كه نماد خشك شدن وزرد گشتن گياه و در واقع آغاز انقلاب صيفي و هنگام برداشت محصول است ، بخصوص اينكه داستان سیاوش در آغاز تابستان انجام يافته است " (مهرداد بهار ، اساطير ايران ص پنجاه و سه) .

۱۲ - دوكتور بكي آتش و ديگر آب - بدل يك زديگر گرفته شتاب (فردوسی)

۱۳ - ريشه لغت گندم احتمالا" فارسي نيست و جزو لغات هند و اروپايی بشمار نمي آيد .

۱۴ - راه نفوذ ايرانيان چنانكه ميدانيد تا خوارزم هم پيش رانند به قرار معلوم از طريق خود ايران بوده است و در حدود ۱۰۰۰ پ . م . (بوش گمبيرا ، مسير مهاجرت هند و آريائيان سه گفتار در باره آريائيان ترجمه مسعود رحبنيا ، انتشارات انجمن فرهنگ ايران باستان ، تهران ، ۳۵۳ (ص ۸۲))

مطالب داستان سیاوش در شاهنامه مانند مطالب مربوط به شهرهای سیاوش گرد و گنگ دژ، بافت شهرهای دوره ساسانی را گرفته است و ارتباطی با دوره بعد از قباد دارد. گنگ دژ دارای گرمابه (۱۵) است، و احداث گرمابه از دوره قباد در ایران رواج یافت (۱۶).

بنابراین می توان حدس زد که این داستان پس از سلطنت قباد ساخته و پرداخته شده.

فردوسی احداث باغها را در شهرهای مذکور نیز به سیاوش نسبت می دهد.

کزین بگذری شهر بینی فراخ همه گلشن و باغ و ایوان و کاخ

بد و کاخ و ایوان و میدان به ساخت درختان بسیار اندر نشاخت

بیار است شهری و کاخ بلند ز پالیز و از گلشن ارجمند

بدنبال فردوسی، منوچهری از آهنگی به نام "باغ سیاوشان" نام می برد که ظاهراً تا دوره او متداول بوده است.

قمریان راه گل و نوش لبینا دانند صلصان باغ سیاوشان با سروستاه

فردوسی چوگان بازی سیاوش را نیز شرح می دهد که ویژگیهای بازی چوگان دوره ساسانی را دارد. ولی بقیه داستان قدیمی است.

ظاهراً "اسطوره" سیاوش بصورت فلکلور هم در دوره ساسانی وجود داشته، و داستان

با تغییراتی از روی آن ساخته شده است. فلکلور دوره ساسانی درباره زراعت در دوره

اسلامی نیز پایدار مانده، و بصورت گوکیل زدن (خرویه) گندم به ما رسیده است.

شاید بتوان در پاره‌های از دهکده‌های ایران که ساخت اجتماعی آن تغییر ناپذیر مانده و مردم

فرهنگ کهن خود را حفظ کرده‌اند، داستان اصلی سیاوش را پیدا کرد.

بین داستان سیاوش و آداب و رسوم که برای گوکیل زدن اجرا می شود در جامعه

سنتی روستائی ایران شباهت‌هایی بصورت زیر توان یافت:

۱۵- همه شهر گرمابه ورود جوی

بهر برزنی رامش و رنگ وبوی (فردوسی)

۱۶- "... قباد در آمد در سال ۵۰۹ م گرمابه‌های یونانی را بدید و خود در آن گرمابه استحمام کرد و آن گرمابه چنان او را خوش آمد که چون با ایران بازگشت فرمان داد در همه شهرهای مملکت گرمابه‌ها بنا کردند. ... (یسوع استی لیتس فصل ۵۰۳. نقل از کتاب سلطنت قباد و ظهور مزدک از آرتور کریستن سن، ترجمه بیرشک، ص ۷)

مراسم کشتن سیاوش

- سیاوش مانند گوسفندی (۱۷) بی گناه سرش بریده می شود سیاوش از لحاظ لغوی یعنی سیاه نر .
- سیاوش را در طشتی (۱۸) سر می برند و خورش بر زمین می ریزند و گیاهی از آن می روید (۱۹)
- ایرانیان در سالروز مرگ سیاوش در ۱۰۰۰ سال پیش در بخارا خروس قربانی می کردند (شاید ازین لحاظکه سیاوش شاهزاده بود و تاجدار و خروس نیز دارای تاج است)
- کشته شدن سیاوش در آغاز تابستان صورت گرفته است .
- پس از کشته شدن سیاوش بادی می وزد (۲۰)
- سیاوش در احداث باغ نیز دست داشت ، مردم ایران آهنگی بنام باغ سیاوشان داشتند که تا قرن چهارم هجری وجود داشت .

مراسم گوگیل زدن

- گوسفند را سر می برند ، گوسفند و حیوان دیگر ذبح شونده باید نر باشد .
- خون گوسفند را در ظرفی (طشتی) می ریزند و آنرا به دسته گندمهای گوگیل زده می دهند گندمها را درو نمی کنند تا باقی بماند .
- برای گندمهای گوگیل زده در نواحی مختلف ایران گاهی خروس قربانی می کنند و در خراسان گوگیل زدن را خروحه = (تاج خروس) می گویند .
- مراسم گوگیل زدن در نیمه اول تابستان انجام می گیرد .
- وزش باد در نمودار شدن گوگیل (اجاق) زدن بسیار موثر است .
- قربانی در باغداری نیز انجام می شود و باغداران به آن سخت معتقدند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۷- بنا بر تعالیمی ، غرر السیرص ۲۲۱ " گرسوز سیاوش را به پهلو خوابانید ، چونانکه میشی را سزرتن جدا سازند ، با شمشیر سرش را در طشت طلائی برید ."

۱۸- یکی طشت بنهاد زرین گروی - به پیچید چون گوسفند انش روی - جدا کرد از سرو سیمین سرش - همی رفت در طشت خون از برش - گیاهی برآ مد همانگه رحون - بدانجا که آن طشت شد سرنگون . (فردوسی)

۱۹- افراسیاب می گوید : بریزید خورش بر آن گرم خاک ممانید دیرومدارید باک (فردوسی)

۲۰- یکی باد با تیره گرد سیاه بیامد سبه کرد خورشید و ماه (فردوسی)

ماخذ گوکیل زدن

- ۱- خلیلی : احمد . کاکول زدن گندم در ده کینه ورس شهرستان زنجان ، سال ۱۳۵۳ : ۵ ص .
- ۲- دادگر : عالیه . کاکول زدن در احمدآباد مستوفی سال ۱۳۵۲، ۱۲ ص .
- ۳- ربیعی ، پروانه و (رفیعی و دکاومیردامادی) کاکل زدن گندم درخواجه ولی ورامین ، سال ۱۳۵۳ ، ۵ ص .
- ۴- رضوی ، ویدا . کاکل زدن گندم در چندار کرج ، سال ۱۳۵۳ ، ۸ ص .
- ۵- سلیمان پوروعلیجانی ، کاکل زدن گندم در کلاردشت ، سال ۱۳۵۳، ۱۷ ص .
- ۶- سپهپوش ، جعفر ، اجاق زدن در چقوش سراب ، سال ۱۳۵۳ ، ۵ ص .
- ۷- صدری ، محمود . کاکل زنی ، درقرزان زنجان ، سال ۱۳۵۳ ، ۲ ص .
- ۸- کیان ، فتانه . کاکل زنی در ده قلعه سنگی کهربیزک ، سال ۱۳۵۳ ، ۷ ص .
- ۹- لطفی افشار ، احمد واعظ ، فولکلورزاعی در معصوم آباد گرگان سال ۱۳۵۳ ، ۱۷ ص .
- ۱۰- مصطفوی ، احمد ، گاوکیل ، در روستای آوه شهرستان ساوه سال ۱۳۵۳ ، ۱۴ ص
- ۱۱- منصورى ، میرحیدر . مراسم قربانی در ده شعرچین سال ۱۳۵۳ ، ۱۴ ص .
- ۱۲- میدانی ، فاطمه . کاکل زدن در رودهن ، سال ۱۳۵۳ ، ۷ ص .
- ۱۳- نعمتی ، عبدالکریم . کاکل زدن در ده قاسم آباد مشهد ، سال ۱۳۵۳ ، ۷ ص .